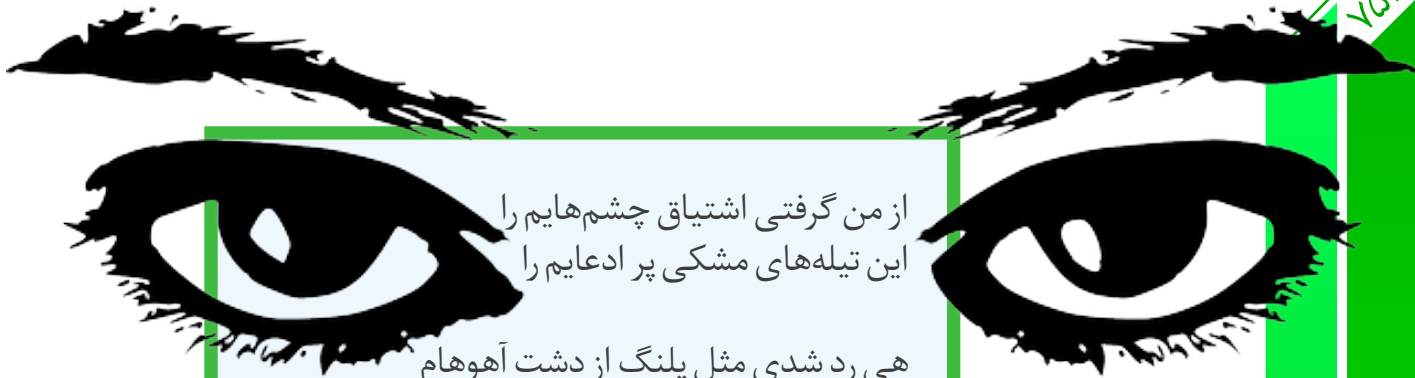


نوشتن شکلی از زندگی است

الف

الف نشریه داخلی انجمن شاعران و نویسندگان گراش است.
الف پنجشنبه هر هفته در gerishna.com منتشر می شود.
الف شماره ۷۵۳ همزمان با جلسه ۸۵۲ انجمن منتشر شد.
این شماره الف ۲ مهر ۱۳۹۴ در گراش منتشر شده است.
آثار خود را به ایمیل gerash@gmail.com برای الف بفرستید.

محمد خواجهپور، رضا شیروان، ابوالحسن محمودی، حسن تقی زاده و حوریه رحمانیان
اعضای بیست و نهمین دوره گروه دبیران انجمن شاعران و نویسندگان گراش هستند.
الف نشریه ای مستقل است و آثار منتشر شده تنها دیدگاه نویسندگان است



از من گرفتی اشتیاق چشم‌هایم را
این تیله‌های مشک‌ی پر ادعایم را

هی رد شدی مثل پلنگ از دشت آهوهام
تا محو کردی ذره ذره رد پایم را

در من زنی مغرور از دربار قاجار است
در تو قشونی که نمی‌فهمد بهایم را

با کفر چشمانت شبی پیغمبری کردی
صبحش که می‌رفتی عوض کردی خدایم را

آنقدر بی تویی حواسم که تمام شهر -
با خود دواندم کفش‌های تابه‌تایم را

آن قدر که یک بار هم بعد از تو یادم نیست
نوشیده باشم داغ و باب میل، چایم را

یک لحظه آرامش نخواهد داشت، می‌دانم
هرکس تصاحب کرد در قلب تو جایم را...

مریم انصاری



عزای عمومی

شرم
 چکه می کند
 از نگاه پنجره.
 همه چیزی گرم نیست:
 مرگ دارد تکه تکه در گورستان خاک می خورد
 و عزای عمومی چشم‌های من
 و عزای عمومی کوچه‌ها
 و عزای عمومی تمام قصه‌هاست
 سیاهپوش حضور مردی
 که پا در سراب شب گذاشت.
 چکه می کند
 پنجره
 از شراب هفت ساله‌ی زیبایی ام.
 همه چیزی گرم نیست
 جز مرگ
 در اندام جوان زنی
 که خواب را
 از گورستان‌ها به ارث برده
 و می خندد
 زیبا.

سحر السادات حدیقه

۹۶/۶/۲۷

تنهایی پرهیا هو

نویسنده: بهومیل هرابال Bohumil Hrabal

مترجم: پرویز دوائی

ناشر: نشر آبی

موضوع:

داستان های چک

قرن ۲۰ م

تعداد صفحه: ۱۰۵

قطع: رقعی

نوع جلد: شومیز

نخستین سال نشر: ۱۳۸۳

نوبت چاپ: ۱۱ (۱۳۹۳)

محل نشر: تهران

قیمت: ۸۵۰۰ تومان

تنهایی پرهیا هو



بهومیل هرابال

هانتا نامی ست. سی و پنج سال است که در کار کاغذ باطله است و این «تنهایی پرهیا هو»، لاو استوری اوست؛ قصه‌ی عاشقانه‌ش با کتاب‌هایی که چون نتوانسته‌اند از چنگ سانسور حکومت بگریزند، روانه‌ی زیرزمین محل کار هانتا کرده‌اندشان تا بروند در دستگاه پرس و قصابی شوند. منتها همین قدر خوش‌سرنوشت‌اند این کتاب‌ها، که قصابی رئوف داشته باشند که می‌خواندشان پیش از نابودکردن‌شان؛ هانتا نامی که سی و پنج سال است که در کار کاغذ باطله است و ولع خواندن دارد و بابت شغلش لذت انهدام هم آموخته از کتاب‌ها؛ علاوه بر همه‌ی آن آموخته‌های معمولی که کتاب‌ها

می‌آموزندمان. و هانتا به توصیف خودش سبوی ست پر از آب زندگانی و مردگانی، که کافی ست کمی به یک سو خم شود تا از او سیل افکار زیبا جاری شود.

تنهایی پرهیا هو، تنها یک تک‌گویی پیوسته است از هانتایی که ژریده از اجتماع و به ظاهر به زیرزمین و دستگاه پرس اش پناه بُرده و در باطن به ادبیات و نقاشی و فلسفه. تنهایی پرهیا هو نوشته‌ی بهومیل هرابال، نویسنده‌ی محبوب چک، روایتی ست از وضعیت فرهنگی-سیاسی جامعه‌ی کمونیستی آن روزهای چک از زوایه دید کارگری ساده و روشن فکر و در خلال اندیشه‌ها و خاطره‌های او.

هرابال روزگاری در کار جمع‌آوری و بسته‌بندی کاغذهای باطله بوده- در وقت نگارش همین کتاب نیز- و از این نظر خود همان هانتاست. و روزگاری نیز ممنوع‌القلم بوده- در وقت انتشار همین کتاب نیز- و آثارش به شیوه‌هایی غریب منتشر و به دست مخاطبان پرشمارش می‌رسید و سختی‌ها داشت تا به تعبیر میلان کوندرا شد «بهترین نویسنده‌ی معاصر چک» و ادبیات چک به عقیده‌ای به پس و پیش از او تقسیم شد و از این نظر هرابال خود همان کتاب‌هایی ست که در دستگاه پرس خمیر می‌شدند به خاطر وجود اداره‌ی سانسور.

بهار ۸۳ بود که نشر آبی ترجمه‌ی پرویز دوائی از این کتاب را منتشر کرد: ترجمه‌ای که مستقیم از زبان چک صورت گرفته بود. چند سالی در ایران ممنوع‌الانتشار ماند و سال پیش به چاپ یازدهم رسید. چند سال پیش نیز احسان لامع به کمک نشر بوتیمار ترجمه‌ی تازه‌ای را روانه بازار کتاب کرد. توصیه‌ی من اما، براساس شنیده‌ها، ترجمه‌ی دوائی ست.

عارف ره‌سولی نژاد

ادبیات یاور همیشه مومن

می‌رسد و به سراغ ازدواج آن‌ها می‌رود و در نهایت به حضرت عباس (ع) ختم می‌شود. پارکینگ سومین داستان خانم خندان در هفته اخیر بود. دو خوانش را می‌شد از داستان گرفت. در خوانش ساده‌تر این که راوی می‌فهمد راننده معلول بوده است که و به نوعی باید شکرگذار وضعیت خود باشد. رحمانیان: با توجه رویه نویسنده خوانش اول محتمل‌تر است.

نظر اعضا حاضر این بود که اگر راننده معلول نباشد داستان جذابیت بیشتری دارد. در این خوانش راوی در برابر یک وضعیت اخلاقی قرار می‌گیرد که اگر او بود آیا این کار را انجام می‌داد یا نه؟ نقطه قوت داستان این است که در این زمینه قطعیتی ندارد.

در داستان همسر نقاش توجه اعضا بیش از هر چیز به انتخاب زاویه دید و نام داستان بود. خواجه‌پور گفت: «این که زنی فیزیکدان داستان زندگی را از نقطه‌ای آغاز می‌کند که انتخاب یک فرد دیگر به زندگی او شکل می‌دهد شاید ارجاعی به برخورد ذرات با یکدیگر و ایجاد حیات باشد.» در آغاز داستان، زن داستان تنها زن نقاش است اما به تدریج او دارای هویت مستقل خود می‌شود.

علی اکبر شاه‌محمدی، محمد خواجه‌پور، شهرام پورشمسی، طاهره ابراهیمی حاضرین جلسه ۸۵۲ انجمن بودند که به تدریج حوریه رحمانیان و سعید توکلی هم به جمع اضافه شدند.

مشکل اول از کابل ویدیوپرژکتور شروع شد به دلایل نامعلوم کابل اب رفته بود و مشکل با کمک ادبیات فاخر فارسی حل شد. شاهنامه را گذاشتیم زیر رایانه همراه و کابل به وصال رایانه رسید. نقد آثار با شعر شهرام پورشمسی آغاز شد. با توجه به با توجه به ردیف لعنتی توقع لحن تندتری از این شعر داشتیم اما به جای شنیدن یک موسیقی هارد راک یک پاپ می‌شنویم.

اما مشکل شعر خیلی حادتر از لحن آن بود. چون حروف «ات» الحاقی هستند نمی‌توان به عنوان قافیه از آن استفاده کرد و در واقع شعر قافیه ندارد و باید یک ویرایش کامل را ان اعمال کرد.

بعد از مشخص شدن این ضعف طاهره ابراهیمی مسئولیت این فاجعه را بر عهده گرفت تا قضیه به مشکلات خانوادگی منتهی نشود.

شعر عطر یاس چندان مضمون تازه‌ای ندارد. شاعر این مساله را قبول دارد اما آن را ویژگی شعرهای مذهبی می‌داند.

نکته دیگر این که در شعر هر بیت به یکی از اهل بیت اظهار توجه دارد که برای شعری به این کوتاهی نمی‌تواند جان کلام را به خوبی منتقل کند شعر از حضرت فاطمه (س) آغاز می‌شود به حضرت علی (ع)

بیرین سن و تو

رودخانه نیل

نهر گذر

نهر گذر

